



چهارشنبه
۲۱ تیر ۱۳۹۶
۱۷ شول ۱۳۸۸
شماره ۲۰۹
هفته نامه فرهنگی، خبری
مدرسه دانستجوی قرآن و عترت
دانشگاه تهران
kashef@quranetratschool.ir
www.QuranEtratSchool.ir
سال هفتم

امیرالمومنین (علیه السلام): برنامه ریزی خوب، مال [امکانات] کم را افزایش می دهد
و برنامه ریزی بد اموال [و امکانات] زیاد را از بین می برد.
(میزان الحکمه، ج ۵، ص ۴۳۷، ح ۹۱۷۹)

خطابه

برنامه ریزی غایت گرا و تعاون بر بر و تقوا، باطل السحر غیبت امام است

بیانات آقای اخوت با موضوع احیای هویت جمعی، پنجشنبه ۱۵ تیرماه (قسمت نهم)

زهرا سامت و فاطمه سادات شریعتمدار

آن جَنی که دارد او را اذیت می کند! ما باید سراغ شناخت وظایف و برنامه ریزی برویم. نباید در ۲۴ ساعت روزانه مان حفره ای وجود داشته باشد. وقتی حفره وجود دارد، طبیعی است که شیطان نفوذ می کند. در جایی که تقوا و اطاعت از خدا نیست، مشخص است که خدا نیست! این اظهر من الشمس است. ممکن است بعضی بگویند اینطوری که همه زندگی مان سهم شیطان شده است! بله، همینطوری است که افراد دنیا را ناامن می کنند و ایجادکننده گیرنده های ماورایی جَنی در جاهای مختلف می شوند. بیایید از این حالت دست برداریم! انسان یا عبد خداست و یا عبد شیطان، یعنی یا انتقال دهنده فیوضات رحمانی است و یا انتقال دهنده نزولات و فضولات شیطانی. پس باید جلوی حفره ها را بگیریم که خیلی هم راحت است. حرز حضرت زهرا (علیها السلام) خیلی خوب است اما حرز و دعا هم نمی خواهد، بلکه تقوا، شناخت احکام و وظایف، برنامه ریزی و پابندی به آن و سرعت در انجام کارها را می خواهد.

مشکلاتی که در مسیر خدا رخ می دهد مثل ویروسی است که انسان دچارش می شود، یا اینکه مثل اجل است که می آید و انسان را می برد. یعنی هیچ اتفاق خاصی نمی افتد و نهایت آن مریضی یا مرگ است. انسان که با مرگ ایمانش از دست نمی رود. این نکته در آیه «فَوَقَّاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكْرُوا وَ حَاقَ بِالْأَفْرَعُونَ سُوءُ الْعَذَابِ» مطرح شده است. آیه درباره مؤمن آفرعون است که او را به خاطر ایمانش قطعه قطعه کردند اما خداوند می گوید که او را از مکر آنها نکه داشت، پس یعنی کسی نمی تواند به مؤمن آسیب بزند، فقط ممکن است فرد مریض شود یا نهایتا بمیرد اما آنها آسیب نیستند و در مسیر زندگی طبیعی هستند، چون ما برای خداییم و به سوی خودش هم برمی گردیم و حال مومنین در زمان اصابت سختی ها اینگونه توصیف شده است: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». مهم این است که انسان در زندگی کاتال انتقال شیطان نباشد. پس باید هر کس نگران باشد که نکند من نفوذ پذیر باشم، به این صورت که شیطان با وسوسه من، در جایی امر الهی را به نهی تبدیل کند. یا اینکه نکند در جمعی باشم که آنها بخواهند کار دینی بکنند و من به خاطر نفوذ شیطان اجازه گسترش دین را ندهم. اینها سرافکنده ای دارد. در قرآن به این حالت «خِزْي» می گویند، یعنی زحمت بکش و خوار شو!

پس نتیجه اینکه، به دنبال حرز نباشید بلکه شدیداً در پی اصلاح حفره های برنامه ریزی باشید. کسی نباشد که در برنامه هایش شکاف وجود داشته باشد. هرکسی باید در ۱۰۰ درصد اوقات مشغول کار باشد. البته باید در برنامه، ورزش و تنوع هم وجود داشته باشد. مثلاً اگر ۷۰ ساعت در هفته وقت دارید، در ۴۰ ساعت کارهایی که می خواهید را انجام دهید و در ۳۰ ساعت با خوشی و

هر کدام از افرادی که در مسیر خداوند کار می کنند با سختی ها و ابتلائات مختلفی مواجه می شوند، البته کسانی که در راه غیر خدا هم کار می کنند با سختی هایی مواجه اند، چون طبع دنیا سختی است. ولی افرادی که در راه خدا مبارزه می کنند انتظارشان این است که سختی هایشان، سختی های غیرعادی و غیرمعمول نباشد. سختی غیرمعمول و غیرعادی مثل اینکه افراد دچار کسالت، بی برنامه گی، غم فراوان، حزنهای عجیب یا گرفتگی می شوند. اینها مواردی است که در مسیر هر کسی به وجود می آید، منتهی آنها که کارهایشان را در راه خدا انجام می دهند می توانند مثلاً بگویند که شیطان لگدم زد! حال اینکه چقدرش واقعیت دارد و چقدر غیر واقعی است، الله اعلم. کار شیطان، جَن و سحر را می شود به خیلی چیزها نسبت داد اما اینکه چقدرش درست است یا نه، ما فعلاً کاری نداریم. نکته حقیقتی این است که انسان خیلی وقتها جهل هایش را به عوامل ماورایی نسبت می دهد. چون ما عوامل علمی اتفاقات را نمی شناسیم، خیلی اوقات آنها را به عوامل ماورایی نسبت می دهیم. البته این نکته به این معنا نیست که عوامل ماورایی وجود نداشته باشند اما مشکلاتی که ما نوعاً داریم از جنس عوامل ماورایی نیست، ولو اینکه ما چنین نسبتی بدهیم و الان هم در جامعه خیلی شایع شده است. مثلاً اگر ازدواج صورت نمی گیرد، خیلی ها می گویند بخت بسته شده و طلب دعا، حرز و نذر دارند. در حالیکه مشکل ازدواج یک مشکل فرهنگی است، نه اینکه بگوییم مسائل ماورایی در آن دخیل نیست اما مسائل فرهنگی خیلی بیشتر در آن دخیل است. همین الان اگر اراده کنید که افراد مؤمن را به ازدواج دریاورید، متوجه سختی این کار می شوید. انقدر که شرایط دارد! این شرایط را که شیطان و جَن نباورده اند بلکه شرایطی است که خودمان می گذاریم و با دست خودمان اوضاعمان را پیچیده کرده ایم. از این جهت که همه انحرافات به ابلیس ختم می شود، بلکه همه اینها زیر سر جَن است اما اگر کسی خودش ازدواج نکند، چه ربطی به طلسم و بستن بخت دارد؟! متأسفانه این ادبیات، ادبیات رایجی در کشور و در بین افرادی که مذهبی تر هستند، شده است. در صورتی که با واقعیت خیلی فاصله دارد. اگر یک مشکلی ۱۰۰ قسمت داشته باشد، ۹۸ قسمت آن در اختیار نفس من، جمع من، مملکت من و دیگر عوامل است و تنها ۲ قسمت آن را شاید بتوان گفت که در معرض مسائل ماورایی است اما بعضی ها این نسبت را بالعکس می بینند و القای عدم اختیار می کنند.

قصد بنده از توضیح این نکته این بود که بگوییم اگر کسی برای خودش، خانواده اش و جامعه نگران است، راهش تنها یک چیز است: اطاعت خدا، عبادت خدا، تقوا، برنامه ریزی و سرعت زیاد در انجام کار. اگر کسی با این چیزها حالش بد یا دچار حزن شد، به خود من بگوید تا بزنم توی گوش

راحتی کار قرآنی نکنید. فقط باید برنامه ریزی کرده و توجه داشته باشید که سختی های این مسیر کاملاً طبیعی است. ما باید احساس کنیم همیشه در محضر خداییم. مثال نازلش اینطوری است که آیا تا به حال درد داشتید؟! آن هم یک درد دائم؟! احساس می کنید این درد نزد شما حاضر است، یا اینکه شما نزد آن درد دارید. هرکاری می کنید آن درد همراه شماست. با اینکه درد جزئی از ماست و ما تفوق بر او داریم اما هر پیشنهادی که می شود آن را به دلیل درد رد می کنیم. انسان باید نزد خدا حاضر باشد. العیاذ بالله، خدا که به اندازه دل درد نیست! ولی می گوئیم خدایا خودت را به اندازه یک دل درد برای من نازل کن تا من احساس کنم که همیشه با تو هستم! خوب است که انسان خدای بزرگی داشته باشد اما برای من در همین حد دل درد هم که درک حضور خدا جریان داشته باشد، مانع از انجام خیلی از خطاهای من می شود. به این همراهی با خدا، تقوا می گویند و در تقوا، استمرار حضور خدا با فرد بسیار اهمیت دارد. مشکل این است که انسان فراموش می کند و این استمرار را ندارد. قرآن در وصف متقین می فرماید: «رَجُلٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ» اما انسان نوعاً وقتی در پی خرید و فروش و زندگی می رود، می بیند که هیچ یاد خدا نکرده است، در حالیکه اگر دل درد داشته باشد حتی حین معامله، دائم در پی این است که کار زودتر تمام شود!

تقوا، چیز عجیبی است و یکی از مواردی است که خیلی روی آن تمرکز و سرمایه گذاری نمی کنیم و برای ارتقای آن شأنی قائل نیستیم. برای همین خدا بر ایمان بزرگ می شود. بعد از اینکه حضور خدا به طور دائم پررنگ شد، باید خدا به طور دائمی بزرگ شود و آنگاه گویی زندگی شکل دیگری می شود! خدا در قرآن، اهداف و غایت های زندگی انسان را در لایه های مختلف مطرح کرده است. یکی از اهداف زندگی، «لعلکم تتقون» بیان شده است، یعنی غایت زندگی این است که انسان تقوا داشته باشد. برای این مهم، درک حضور خدا را سوار بر یک کاری نکنید که همیشه با شماست، بعد که این همراهی با خدا را یاد گرفتید، آن کار را بردارید و فقط خدا را بگذارید.

در همین راستا، یک سری نکات از سفر مشهد اخیر برای



جمع نوشته بودم که عرض می‌شود:

سختی‌های مسیر حق عادی است و البته همان چیزهایی است که جریان حق را در طول زمان زمین گیر کرده است. یعنی عامل زمین گیر شدن حق، همان چیزهای عادی است. ناهماهنگی اهل به اصطلاح حق و ناهمراستایی آنها، عادی است، ولی همان چیزی است که در طول زمان جریانهای حق را زمین گیر کرده است. لازم است تا قالب و ساختارهایی برای حداقل کردن این بی‌نظمی گذاشته شود. یک موقعی باید این سختی‌های عادی، عادی تلقی شود و دیگر افراد را زمین گیر نکنند. باید ساختار و قالب، کاری کند که آن ناهماهنگی و ناهمراستایی تراحم ایجاد کند. ما باید این مشکل را از طریق ساختار حل کنیم. لازم است که اهل حق منظم بشوند. درس خوان، علمی و تدبری بشوند. تا اهل حق منظم، درس خوان، علمی، تدبری و برنامه ریز نشوند، این تشّت ادامه دارد. ساختارها باید افراد را به صورت اتوماتیک‌وار به سمت این چنین خط مشی‌ای سوق دهند. ساختار باید بتواند برنامه ریزی منظم و پیگیر برای افراد داشته باشد و نباید کاری کند که وقت افراد به بطالت، کارهای بی‌نتیجه، تکراری و بیهوده سپری شود. شاید داشتن بانک اطلاعاتی از افراد و ثبت توانمندی‌ها خوب باشد. مجموعه باید مدل اُمت‌سازی و اُمت‌پروری را در خودش پیاده کند. اُمت‌سازی و اُمت‌پروری به رهبری و اندام‌زایی در یک مجموعه منجر می‌شود. مرتبط کردن افراد همگرا با هم و برطرف کردن نواقص افراد توانا در این زمینه، دستورالعمل این سفر است. توجه داشتن به نقاط ضعف افراد کادر، برطرف کردن آنها و برنامه ریزی دقیق برای آنها، در این زمینه خیلی مهم است. همه کارها باید به سمت گسترش ذکر خدا پیش برود. تسبیح، حمد، تهلیل و تکبیر، باید در رأس امور مدرسه قرار بگیرند. از این جهت شروع کار تدبیر در دعا مغتنم است. یعنی ما چاره‌ای جز اینکه به سمت تدبیر در دعا برویم، نداریم. برای مقابله با انواع کیدها و مکرها، سرعت عمل و برنامه ریزی توصیه می‌شود. برنامه ریزی، هماهنگی و داشتن ساختار موجب می‌شود که اهل حق به سمت تشّت نروند. بعضی از افراد ساختار گریزند! این به ضرر آنهاست. متلاشی خواهند شد. البته از این طرف ساختار باید انقدر بزرگ باشد که بتواند همه را در خود جای بدهد و امکان برنامه ریزی برای همه را داشته باشد. همه باید به هم متصل باشند. اصلاً نباید انتظار داشت که همه به یک رأس متصل باشند. ساختار یعنی اینکه به صورت شعبه‌ای و خوشه‌ای همه با هم در اتصال داشته و برنامه داشته باشند. برنامه همه باید چک شود. اگر حفره داشته باشند لطمه می‌خورند. هر کس باید بداند این هفته چند ساعت کار کرده است؟ ۱۶۸ ساعت؟ ۱۰۰ ساعت؟ و مثلاً به فرد گفته شود: شما باید ۵۰ ساعت کار کنید، بدون حفره. کار باید منظم باشد. کارهای سالانه باید منظم باشند. باید از افراد پرسید: شما چند کلاس می‌روید و چند کتاب می‌خوانید؟ همه به هم گزارش بدهند تا مصداق ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾ شویم. باید یک نظام شبکه‌ای ایجاد کرد و اصراری به گزارش دادن

به یک شخص خاص، نداشت! هرکدام از افراد دوره‌های تدبیر مدنی، روایی و مکی باید ۵ تا ۱۰ نفر زیرمجموعه خودشان داشته باشند و سیر مطالعاتی و برنامه‌های آنها را چک کنند. اینگونه در نظام کلی می‌بینید که همه به صورت منظم دارند تدبیر می‌خوانند و کار می‌کنند. شیطان نمی‌تواند جلوی این را بگیرد. از آن حفره‌ها و بیکاری‌هاست که شیطان وارد می‌شود. کافیت فقط یک نفر بیکار باشد، معلوم است که این بیکاری مشکل ایجاد می‌کند. مثل یک مجروحی که روی دست عده‌ای می‌افتد که دارند به جنگ می‌روند و بقیه را درگیر می‌کند.

بنده کاری به این جمع ندارم بلکه درباره جمع اهل حق صحبت می‌کنم. نمی‌خواهم بگویم کسی باری بر دوش مجموعه است بلکه ماهمگی باری بر ساختار جریان حق هستیم. نکته این است که در مسیر حق، بیکار بودن و کار نداشتن حفره ایجاد می‌کند و این حفره‌ها موجب می‌شود که افراد شروع به ور رفتن، حرف زدن و... کنند! چرا باید در رزومه کار هفتگی فردی ۱۰ ساعت صحبت با موبایل و حضور در شبکه‌های اجتماعی باشد؟! طبق چه مجوزی فرد این همه صحبت مجازی و غیر آن دارد؟ مگر یک انسان چقدر ظرفیت دارد که ذهنش بتواند اینطور پردازش کند؟! چه کسی گفته که اینطور برنامه ریزی کنید؟! آن هم برنامه‌های نامنظم، خسته کننده و کسل کننده! برنامه باید نشاط آور و شاداب کننده باشد. این خلاف نظام برنامه ریزی است که فردی سرش کلی کار ریخته شده باشد! معلوم است یک جای برنامه ریزی او ایراد دارد. برنامه ریزی یعنی اینکه انسان همیشه آزاد است و در عین آزادی، پرکار است. هر هفته رزومه کاریش مشخص است و حالت مبهم ندارد.

ما باید نسبت خود را با منویات و مطالبات رهبری مشخص کنیم و حرف ایشان معیار باشد. رهبر مظلوم می‌شود، چون اقتصاد مقاومتی ندارد! فرهنگ ندارد! حجاب ندارد! فیلم ندارد! سینما ندارد! صدا و سیما ندارد! چرا اینها را ندارد؟! چون اهل حق برنامه ندارند! اینطور که نمی‌شود! اینطوری است که عاشورا و کربلا اتفاق می‌افتد! باید کاری کرد تا عاشورا تکرار نشود. راهش برنامه و ساختار است. هرکسی خودش را به ساختار متصل کند. هر کسی ضعف خودش را با قوت دیگری تقویت کند. نگویید که حتماً باید کلاس برویم تا درس بخوانیم، خودتان بخوانید! از اساتید مدرسه بپرسید که هر کتابی چقدر زمان برای مطالعه می‌خواهد و خودتان پیش بروید. بخوانید و جلو بروید. چه مانعی برای پیشرفت وجود دارد؟! برنامه ریزی تا باشکست قالب همراه نباشد، برنامه ریزی نیست! وقتی می‌گوییم برنامه ریزی منظورمان شکستن قالبهاست. هر فرد باید دقیقاً بداند که قرار است چه کاری بکند، بعضی اوقات از کلاس استفاده کند، بعضی اوقات از صوت یا مباحثه و غیره.

موضوع نکات امروزمان، بطلان السحر بود. اگر می‌خواهید سحری که منجر شده است بقیة الله الاعظم ﷺ در پرده خفا همانند، باطل شود، به اهل حق تبدیل شوید که روزنه شیطان در او نباشد، نفوذ ناپذیر بوده و عزت داشته باشد.

راه انجام این کار برای ما، برنامه ریزی دقیق است که بدانیم چه نقطه‌هایی را به صورت تخصصی باید فتح کنیم. بنده قبلاً راجع به تخصصی شدن مطالب بسیاری گفته‌ام اما نمی‌دانم چرا بعضی‌ها اصلاً نمی‌خواهند تخصصی کار کنند و دلشان می‌خواهد همه چیز را یاد بگیرند! از این کمال‌گرایی‌های مفرط دست بردارید! ما باید به سمت اندام‌زایی در مجموعه برویم. اندام‌زایی یعنی دست، کار دست را انجام می‌دهد و پا نمی‌تواند کار دست را انجام دهد و چشم هم نمی‌تواند کار دست را انجام دهد. باید این تغییر وضعیت و بلوغ را بپذیریم. پس در برنامه ریزی دو جزء مهم وجود دارد: یکی شکستن قالبها و دیگری تمایز یافتن به صورت تخصصی.

برنامه ریزی به غایتها انجام می‌شود، نه به قالبها. یعنی مثلاً خواندن یک کتاب مهم است یا فهم محتوای آن؟ فهم محتوای آن مهمتر است یا عمل به محتوای آن؟ عمل به محتوای آن مهمتر است یا جاری کردن آن در جامعه؟

پس غایت برنامه ریزی، جاری کردن محتوای کتاب در جامعه می‌شود. وقتی این غایت شد، ممکن است کار من در جمع اینگونه تعریف شود که کتابی را بردارم و به دست کسی برسانم! حتی شاید لازم نباشد که داخل آن را نگاه کنم! اما وقتی مراتب رعایت نشود و غایتها مشخص نباشند، فقط دنبال کلاس آن کتاب هستیم و در قالبها گیر می‌افتیم. مثلاً کتاب «فهم قرآن در دبستان و دبیرستان» به دست معلمانی که نه مولف و نه مجموعه را نمی‌شناسند، رسیده و آن را در مدارس آموزش داده و جلو رفته‌اند در حالیکه افراد در مدرسه قرآن هنوز منتظرند که یک کلاس گذاشته شود و ببینند در این کتاب چه گفته و رسالتشان در قبال آن چیست!

پس لازم است هر کسی متناسب با وضعیتش یک سری کارها را که باید انجام شود، برای خودش لیست کند. حرفمان این نیست که در برنامه ریزی‌تان کتب تدبیری و المیزان الزاما بگذارید بلکه می‌گوییم آن کاری که می‌خواهید بکنید را برای غایت مشخصی انجام دهید. مثلاً کتاب مقدمات تدبیر را می‌خواهید برای طهارت یا برای فهم برنامه ریزی بخوانید؟ ممکن است برای فرد شرایطی پیش بیاید و با کسی مجاور شود که او این کتاب را خوانده است و فقط کافیت در دو ساعت سوالهایش را بپرسد و محتوای کتابی که دیگران ۲۰ تا ۸۰ ساعت برای آن وقت می‌گذارند را یاد بگیرد. این نیاز فرد بوده که منجر شده است تا سوال داشته باشد و فرآیند یادگیری انقدر سریع رخ دهد. به این برنامه ریزی می‌گویند. پس باید به سمت غایت‌گرایی برویم و هرکس بتواند بگوید که من این مجموعه از کارها را برای رسیدن به این غایات، در طول یک سال انجام داده‌ام.

بعضی می‌گویند شما در این مدرسه قرآن هر کاری می‌کنید، به غیر از قرآن یاد دادن! در جواب می‌گوییم شما بفرمایید قرآن یاد گرفتن یعنی چه؟ برو، تحقیق کن و مسیرت را مشخص کن. بین نزد چه کسی باید بروی و چه کتابی را باید بخوانی. چه کار به روند مدرسه قرآن

می‌کند و به آن سرعت می‌دهد، تمایز ایجاد می‌شود. غیرممکن است در ایستادن تمایزی مشخص شود. در اثر حرکت، عمل صالح و کثرت در اعمال صالح است که تمایز ایجاد می‌شود.

این نکاتی که مطرح شد، باطل السحرند. التزام به آنها، سحر غیبت را باطل می‌کند، چه برسد به سحرهای الکی ما! نشانه‌اش است که مجموعه کارهایی تولید کند که حداقل ده برابر آن چیزی است که از او انتظار می‌رود. یعنی مثلاً اگر از انتشارات پیرسیم که تعداد معمول چاپ شما در سال چقدر است؟ و بگویند مثلاً ۳۰ تا کتاب، با غایت بطلان السحر، ۳۰۰ تا کتاب می‌شود. یا مثلاً اگر پیرسیم مدرسه قرآن چند ساعت کلاس در سال برگزار می‌کند؟ و بگویند ۱۰۰ هزار ساعت کلاس، با غایت بطلان السحر، باید ۱۰ برابر بشود. حتماً باید یک شبه معجزه ایجاد شود. اگر نشد یعنی این اتفاق نیفتاده است، چون شاخص دارد. اما اگر اتفاق افتاد، مطلقاً تعجب و هول نکنید! مگر ۳۰۰ تا کتاب چیست؟! و مواظب باشید نسبت به گروههای مجاورتان دچار احساس عجب و خودبینی نشوید. سیستم فعلی مجموعه، به جای ۱۰ برابر، یک چهارم خودش بازده دارد. اول آن را باید به یک برابر خودش برسانیم. البته وضع ما به مراتب خیلی بهتر شده و کارها نسبت به سال گذشته، دو-سه برابر افزایش داشته است. نشانه حرکت، در تألیف، تکثیر، تولید، ارتباطات و تعاونهای جفت-جفت است. ما الان تعاون جفت-جفت کم داریم و زنجیر نداریم. ان شاء الله خداوند توفیق دهد و جریان حق را به غایتاش برساند، به برکت صلواتی بر محمد و آل محمد.

۱. ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ﴾ (سوره مبارکه بلد، آیه ۴)

۲. سوره مبارکه غافر، آیه ۴۵

۳. سوره مبارکه بقره، آیه ۱۵۶

۴. سوره مبارکه نور، آیه ۳۷

۵. سوره مبارکه مائده، آیه ۲

در این مسیر همدیگر را کمک کنیم و مصداق «تعاونوا علی البرّ و التقوی» باشیم. پس هرکه ضعیفتر است به فردی که توانمندتر است، متصل شود. آن شخصی که توانمند است، توان خودش را کتمان نکند تا فردی که ضعیفتر است، به او رجوع کند. کسی که توانمند است ضعفهای خودش را کتمان نکند تا بتواند در آن زمینه به شخص توانمندتر رجوع کند. توانمند مطلق وجود ندارد. قاعده اُمت سازی بر وجود ضعف و قوت همراه با هم است. کتمان ضعف و کتمان توان، دو آفت اساسی در اُمت سازی‌اند. حال وقتی زنجیر افراد تشکیل شد و اُمت شدند، امام می‌خواهند. تازه مفهوم امامت معنا پیدا می‌کند، امام نازل شده و روح امامت جاری می‌شود. غیرممکن است اُمت بدون امام تشکیل شود. روح امام در اُمت جاری است. امام به بالادست و پایین دست می‌گوید که چه کار کنند. خیالمان راحت باشد که امام حاضر است. مهم ترین خاصیت اُمت این است که شیطان دیگر در آن چرخه وارد نمی‌شود و بیچاره می‌شود. تمام بُرد شیطان در ایجاد توهم قدرت است. کید شیطان، ضعیف است و فقط می‌تواند القاء کند. فقط می‌تواند بگوید تو بدبختی! تو ناراحتی! بی خود می‌گوید. من بدبخت نیستم بلکه او القاء می‌کند! اما اگر من هم بعد از القای او بگویم که بدبخت و ناراحت، آنقدر القاء را ادامه می‌دهد تا فرد گذشته خودش را نیز تاریک می‌کند! همین القاء، همه‌ی کید ضعیف شیطان است. پس دست به دست هم بدهیم و تعاون بر برّ و تقوا داشته باشیم که راهی غیر از این وجود ندارد. این همان کاری است که در غدیر خم، پیامبر ﷺ انجام دادند و فرمودند: «الحمد لله الذی جعلنا من ائمتنا سکنین بولایه امیر المؤمنین» و بعد از قرار دادن ولایت امیر المؤمنین ﷺ، عقد اخوت بین افراد خواندند. هرکس به کنار دست خودش نگاه کند، ضعف و قوت او را ببیند، قوت را به او بدهد و ضعف او را بگیرد. هرکسی ضعف و قوتش را مبادله کند. اولین کاری که می‌کنید روی برنامه ریزی تان باشد. وقتی جمع حرکت

دارید؟! کار خودت را بکن و هرچه را لازم داری، یاد بگیر. چرا فکر می‌کنید مدرسه قرآن، برنامه‌ای ریخته که مانع از رسیدن به اهدافتان است؟! آنها برنامه‌ای برای یک گروه ریخته‌اند اما ممکن است شما جزء آن گروه نباشید. اینها نباید مانع از رسیدن شما به اهدافتان باشد. ما سوالمان از افراد این است که چرا وضع خودتان را تعیین نمی‌کنید؟ الان از هر کدام از شما پرسند که کمبودهای قرآن فهمی تان در چیست، آنها را لیست می‌کنید. خوب پس چرا آنها را درست نمی‌کنید؟ چه کسی جلوی شما را گرفته است؟ چه وقت آمدید و درخواست کردید که کلاس برای شما بگذارند و نگذاشتند؟ ممکن است با این درخواستهای شما کلاس تشکیل شود. ممکن است دوره جدیدی راه بیفتد. ممکن است بقیه هم مثل شما به دنبال اینها باشند. چرا بر اساس غایتها برنامه نمی‌ریزید و در عوض روی قالبها برنامه ریزی می‌کنید؟ بدانید که هر کس به هر مقصد حقی که بخواهد در همان زمان می‌رسد، به شرطی که برنامه داشته باشد. غیر از این مسیر نمی‌شود. اگر دیدید نشد، معلوم است یا برنامه ریزی ایراد داشته است و یا مقصد. بین این دو رابطه مستقیم برقرار است.

لازم نیست غایتها بزرگ برای خودتان طراحی کنید. غایت را اگر درست در نظر بگیرید، همواره بزرگتر از برنامه و قالب خواهد بود. هر انسانی، حتی طفل، غایتهايش بزرگتر از قالبهايش است. مشکل این است که انگیزه‌های ما برای غایت داشتن کم است. اگر کسی خدا برایش مهم باشد، امام برایش مهم باشد، کربلا برایش مهم باشد، کشته نشدن اباعبدالله ﷺ برایش مهم باشد، مخفی نبودن امام زمان ﷺ برایش مهم باشد، این فرد حتماً انگیزه پیدا می‌کند. همه اینها در اختیار ماست و فقط توجه می‌خواهد. اینکه امیرالمؤمنین ﷺ می‌فرمایند «اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم» یعنی اگر ما نتوانیم اهل حق را -هم برنامه‌هایشان را هم خودشان را- به صف دریاوریم، همچنان اهل حق زمین گیر خواهند ماند.

پیشخوان

طرح همکاری مالی جهت اتفاق در راه خدا و گسترش فرهنگ قرآن و عترت ﷺ

دارد. ضمناً دوره‌های آموزشی دیگری در قالب دوره‌های عمومی برگزار می‌شوند تا مخاطبانی که قصد شرکت مستمر و پیگیر در دوره تخصصی را ندارند، امکان بهره‌مندی از این کلاس‌ها را داشته باشند. فعالیت‌های دیگر این مجموعه به شرح موارد زیر می‌باشند:

۱. اشتغال‌زایی به همراه فعالیت‌های قرآنی در مناطق محروم

از آنجایی که توجه به نقاط محروم وظیفه‌ای همگانی است، مجمع از سال ۱۳۹۳ ضمن فعالیت‌های قرآنی در این مناطق، در خصوص وضعیت زندگی عزیزان این مناطق به شیوه کارآفرینی و مشارکت در مجالس مذهبی مشارکت دارد.

بر ارائه محورهای مختلف علوم به صورت ساختاری، امکان نازل نمودن و کاربردی کردن آن را نیز فراهم نماید. فهم این حقیقت موجب شد تا در طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۹، تدوین و تألیف کتب روش‌های تفکر و تدبیر در قرآن به عنوان اصلی‌ترین رسالت مجموعه در دستور کار قرار گیرد. از این رو، مطالعات منسجمی بر روی تمامی آثار قرآنی مطرح از جمله تفسیر المیزان حضرت علامه طباطبایی و دیگر آثار ایشان، همچنین آثار معرفتی امام خمینی (ره) و نیز آثار حضرت آیت الله جوادی آملی صورت گرفت و پس از مطالعه مکرر قرآن و روایات، مجموعه کاملی از روش‌های تفکر و تدبیر در قرآن در ۱۰ مجلد آماده‌سازی شده که در حال حاضر مرجع همه برنامه‌های علمی این مجمع قرار

مجمع مدارس دانشجویی قرآن و عترت ﷺ فعالیت‌های خود را از اواخر سال ۱۳۷۷ در کانون قرآن و عترت ﷺ پردیس علوم پایه دانشگاه تهران آغاز نمود. این مجموعه بر این باور است که می‌بایست تمدن اسلامی را مبتنی بر معارف وحیانی شکل داد و این حقیقت، اصلی‌ترین رسالت انقلاب اسلامی ایران بوده است. بر این اساس لازم است تمامی پتانسیل علمی و پژوهشی کشور بسیج شوند تا تولید و تبیین علوم مبتنی بر معارف وحیانی (قرآن کریم، ادعیه و روایات اهل بیت ﷺ) صورت پذیرد.

مطالعات میدانی مجموعه حاضر در طی پانزده سال اخیر نشان می‌دهد که این مهم قبل از هر چیز نیازمند تبیین مبانی و روش‌های تولید علم بر اساس قرآن است تا علاوه

۲. تولید و نشر کتب قرآنی و دینی

مجمع از سال ۱۳۸۵ به طور میانگین هر ماه دو کتاب در گسترش مفاهیم قرآنی به انتشار رسانده است و حدود ۵۰ اثر در نوبت چاپ دارد. طبیعی است این آثار برای چاپ، نیازمند هزینه‌اند که لازم است افرادی در این زمینه مشارکت نمایند.

۳. ادعیه حضرت صدیقہ طاہرہ علیہا السلام

در بین کتب ادعیه، دعا‌های حضرت صدیقه طاهره علیها السلام جایگاه ویژه‌ای دارد. کتاب صحیفه فاطمیه در حدود ۱۰۰ هزار جلد چاپ شده و توسط خبرین به بسیاری از مشاهد شریفه هدیه شده است. گسترش ادعیه حضرت زهرا علیها السلام به تحقیق زمینه‌ساز شناخت اهل بیت علیهم السلام و پیاده‌سازی فرهنگ ایشان می‌شود. مشارکت در چاپ و گسترش این کتاب می‌تواند زمینه‌ساز ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه باشد.

۴. گسترش فرهنگ قرآن در دانشگاه و خانواده

با توجه به اینکه این مجمع از سال ۱۳۸۵ کلاس‌های تدبیر در قرآن خود را به صورت رایگان در دانشگاه‌ها، خوابگاه‌ها، مساجد، بیوت و شهرستان‌ها برگزار کرده است، مشارکت در تامین هزینه‌های برگزاری این کلاس‌ها کام‌موثری در گسترش فرهنگ قرآن می‌باشد.

5. قربانی و اطعام در مناطق محروم

یکی از بهترین انفاق‌ها، اطعام و قربانی در مناطقی است که بسیار نیازمندند. این اقدام باشکوه به طور خاص در ایامی چون عید قربان، عید غدیر و ایام الله مبارک صورت می‌پذیرد.

۶. آموزش‌های مجازی قرآن

بی‌تردید یکی از راه‌های گسترش فرهنگ قرآنی، گسترش کلاس‌های قرآن از طریق آموزش مجازی است. مدرسه مجازی قرآن و عترت^۱ برای این منظور نیازمند تجهیزات و نیروهای دائمی می‌باشد، که بخشی از آن تأمین شده و بخشی منتظر سرمایه‌گذاری و مشارکت است.

٧. صندوق قرض الحسنه کوثر

صندوق کوثر از سال ۱۳۷۸ مشغول فعالیت بوده و در طول سابقه فعالیت‌های خود در حد وسع در دو زمینه تأمین مخارج فرهنگ قرآنی در جامعه و مایحتاج ضروری افراد مستحق تلاش نموده است. ضرورت تشکیل چنین صندوقی، در راستای گسترش امر توحیدی فرهنگ انفاق در جامعه می‌باشد. خداوند در قرآن برای رفع شکاف‌های جامعه - که از مصیبت‌ها و ابتلائات به وجود می‌آید - به مومنین امر به انفاق نموده است. بنابراین هر فرد مومنی بنا بر استطاعت و جایگاهی که دارد بایستی سعی و تلاش نماید تا این شکاف‌ها را در هر سطحی که می‌تواند برطرف کند. برطرف کردن نیازهای جامعه در ابعاد مختلف (امورات فرهنگی، مایحتاج

زندگی و...) از مصادیق عبودیت و اطاعت امر الهی است.

گزارش چهار ماهه اخیر فعالیت های صندوق قرض الحسنه
کوثر:

به حول و قوه الهی و با مشارکت شما خیرین محترم، در این چهار ماهی که از فراخوان مشارکت مجدد در صندوق قرض الحسنه کوثر گذشت، حدود ۲۸ میلیون تومان واریزی به صندوق در قسمت قرض الحسنه بود که ۳۱ میلیون تومان به ۱۴ مورد، قرض داده شد و در چرخه قرار گرفت.

نحوه مشارکت خیرین در صندوق کوثر:

خیرین محترم و افراد علاقه‌مند به یکی از شیوه‌های زیر می‌توانند در بخش قرض‌الحسنه صندوق کوثر مشارکت داشته باشند:

- نوع اول: خیرین می‌توانند مبلغ ثابتی (ولو اندک) را به صورت ماهانه یا سالانه به صورت کمک بلاعوض به صندوق واریز نمایند. مبالغ جمع شده به صورت قرض به مراجعین داده می‌شود و دوباره به صندوق باز می‌گردد.

• نوع دوم: خیرین می‌توانند مبالغ حداقل بالای یک میلیون تومان را در هر مقطع زمانی که مورد نیازشان نیست، به صورت قرض در اختیار صندوق قرار داده و اقساط آن را به میزان توافقی دریافت کنند.

• نوع سوم: بسته به مراجعینی که از صندوق تقاضا دارند، در مقاطع مختلف زمانی از طریق سامانه پیامکی به خیرین، نیازمندی‌ها و موارد خواهان قرض اعلام می‌شود و می‌توانند در مورد آن نیازمندی خاص مشارکت داشته باشند و اقساط آن را به میزان توافقی دریافت کنند.

مرحله دوم فراخوان مشارکت در
صندوق کوثر:

جهت عضویت در طرح فراخوان صندوق کوثر، برای مشارکت در بخش قرض‌الحسنه عدد ۱۲۰ را به سامانه پیامکی مدرسه قرآن (۰۵۰۰۲۴۲۰۷) ارسال نمایید و اطلاعاتیه‌های بعدی را از طریق پیامک دریافت نمایید. در صورت تمایل به مشارکت موردی یا مستمر در طرح مشارکت مالی در گسترش فرهنگ قرآن و عترت علیه السلام، یک یا چند مورد از موارد هفت‌گانه فوق را انتخاب و به همراه مبلغ و مشخصات فردی خود ارسال فرمایید. به منظور تسهیل در ارسال می‌توانید تصویر این فرم را از

فرم همکاری

لطفاً با توجه به توضیحات پیوست، مبلغ مورد نظر، نحوه پرداخت و مورد مصرف را براساس بندهای هشت گانه ذیل، تکمیل فرمایید.

نام و نام خانوادگی:

.....:تلفن ثابت:

..... تلفن، همدان:

ماہانہ موردی

۱- اشتغال زایی همراه با فعالیت های قرآنی در مناطق محروم
میلخ:

۲- تولید و نشر کتب قرآنی و دینی

مبلغ:

۳۔ ادعیه حضرت زهرا سلام الله علیها
مبلغ:

۴- گسترش فرهنگ قرآن در دانشگاه
میلخ:

۵- قربانی و اطعام در مناطق محروم

ع- گسترش قرآن بصورت مجازی

میلغ:

7- صندوق قرض الحسنه كوثر
مبلغ:

۸- سایر موارد با قید مورد مصرف:.....
مبلغ:.....